

به نام خدا

عنوان:

سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده توسعه روستایی در ایران

نویسندگان:

مریم حسین محمدی* و داریوش حیاتی**

* دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز
Email:mohammadi_shz42@yahoo.com

** عضو هیات علمی بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز
Email: hayati@shirazu.ac.ir

سرمایه اجتماعی در پیشبرد توسعه روستایی نقش و اهمیت به سزایی دارد. مقیاس و شاخص های پایداری بطور معمول در مفهوم فیزیکی آن درک شده است. شاخص های اقتصادی نیز بخوبی تفهیم شده اما آنچه مورد غفلت قرار گرفته آگاهی از موضوعات اجتماعی آن است. هرچند در دنیا، درباره اهمیت نقش سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر توسعه روستایی تاکید زیادی شده است؛ اما علیرغم تصدیق و تایید جهانی مبنی بر اینکه سرمایه اجتماعی یکی از مولفه ها و تعیین کننده های توسعه روستایی است، شواهد حاکی از آن است که در برنامه ریزی های توسعه روستایی کشور، این مهم کمتر مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران توسعه روستایی بوده است و در واقع این خلاء در ادبیات توسعه روستایی ما بارز است. لذا شناخت سرمایه اجتماعی و تطبیق آن با مولفه های توسعه روستایی، ضروری می باشد زیرا میزان این سرمایه، حتی می تواند سرمایه های فیزیکی و اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد. سرمایه اجتماعی می تواند در ابعاد و جنبه های مختلف و متفاوتی چون ایجاد اعتماد، مشارکت و ارتباطات مناسب، توسعه روستایی را متاثر سازد؛ در این میان میتوان به تاثیر مشارکت در برنامه های توسعه روستایی بر رفاه، امنیت اجتماعی و درک مناسب از خوشبختی و یا نیز به کاهش بی اعتمادی بین روستاییان که اکنون از معضلات جامعه روستایی می باشد اشاره نمود. در این مقاله بطور مبسوط به تشریح نقش ها و تاثیرات سرمایه اجتماعی در ابعاد توسعه روستایی ایران بر اساس روش توصیفی- تحلیلی به شیوه کتابخانه ای پرداخته شده است. برای این منظور ابتدا با استفاده از مطالعات پیشین به شناسایی ابعاد توسعه روستایی پرداخته شده، آنگاه به بررسی نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در هر یک از ابعاد مذکور توجه شده است و در پایان، راهکارها و توصیه هایی نیز جهت بکارگیری، پیشبرد و تقویت سرمایه اجتماعی و ترکیب آن با سایر سرمایه ها در جهت توسعه پایدار روستایی در روستاهای ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه روستایی، مشارکت، اعتماد، ارتباطات

انسان بطور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را بر طرف می سازد. اثرات این کنشها و روابط متقابل و نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنشها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده اند که آنها سرمایه اجتماعی نامیده اند. یکی از مفاهیم جدید و مباحث رو به رشد و شاخص های توسعه پایدار و همچنین مشهورترین استعاره ها در تحقیقات علوم اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی¹ است و با وجود اینکه موضوعی جدید می باشد ولی توجه بسیاری از صاحب نظران و علمای علوم اجتماعی، توسعه و توسعه روستایی را در دهه های اخیر به خود معطوف داشته است (Durlauf & Fafchamps, 2004). بانک جهانی از آن با عنوان حلقه گمشده ای یاد می کند که در صورت وجود آن می توان فقر را کاهش داد (Grootaert, 1999; Lyon, 2000).

در اولین دوره ای که موضوع توسعه مورد توجه دانشمندان قرار گرفت، سیاست گزاران و صاحب نظران، افزایش توسعه را بر اساس افزایش عوامل اقتصادی و فیزیکی مورد سنجش قرار می دادند. در نسل دوم توسعه، بیشتر سرمایه ها و عوامل انسانی مورد نظر قرار گرفت که روی بعد فردی تمرکز کرده و توسعه را علاوه بر عوامل یاد شده، بر مبنای توسعه منابع انسانی در نظر می گرفتند و اعتقاد بر این بود که با وجود توسعه سرمایه و منابع انسانی، می توان به توسعه ای پایدار و دراز مدت نائل شد. اما اکنون در نسل جدید ارائه مفاهیم توسعه، شاخص سرمایه اجتماعی مطرح گردیده است. دیدگاههای جدید توسعه و به تبع آن توسعه روستایی بر روی توانمندی های انسان در قالب تشکل و گروهها و نیز حرکت های عمومی و اجتماعی، متبلور می گردد و بدین طریق بحث سرمایه اجتماعی در ادبیات توسعه و توسعه پایدار روستایی وارد گردیده است. به عقیده صاحب نظران، حتی می توان گفت که نقش سرمایه اجتماعی امروز مهمتر از سایر سرمایه ها در جوامع است و اهمیت این سرمایه تا آن اندازه ای است که بدون آن سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست خواهند داد.

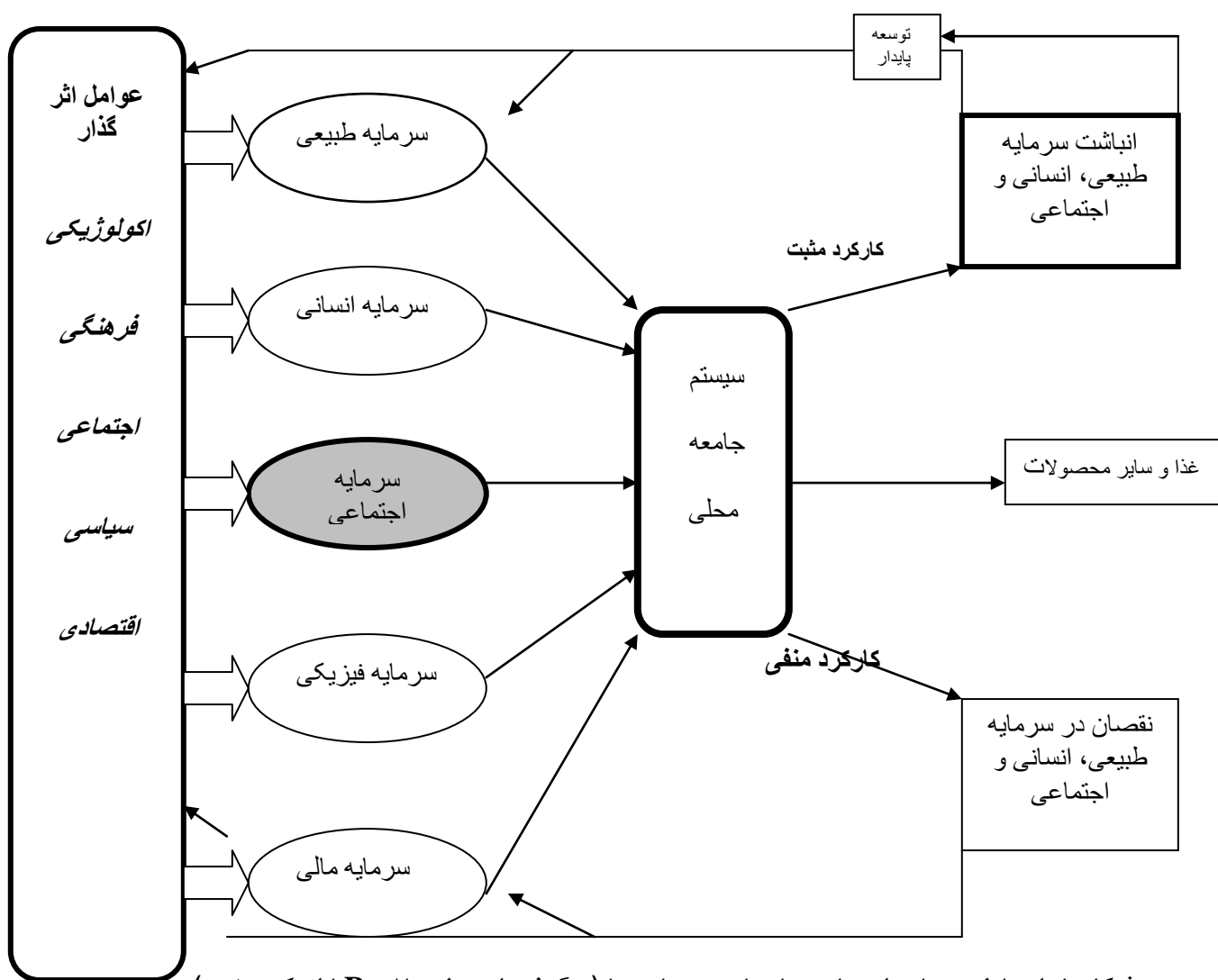
اما قبل از بیان این مفهوم، بهتر است مقایسه ای از این سرمایه که از مفاهیم اقتصادی به عاریه گرفته شده است را با انواع دیگر سرمایه ها داشت. عموماً انواع سرمایه را به سرمایه فیزیکی، طبیعی، انسانی، مالی و اجتماعی تقسیم می کنند. سرمایه طبیعی شامل زمین، آب، جنگل و سایر منابع تجدید شونده می باشد، در مقایسه، سرمایه فیزیکی، ابزار و منابع غیر قابل تجدید را شامل می شود. سرمایه انسانی به میزان دانش و تحصیلات، تخصص، مهارت، هوش و معلومات اطلاق می گردد و سرمایه مالی ناظر بر درآمد، اعتبارات و سوبسیدها می باشد. همچنین، اکنون چنانکه یاد شد، شکلی جدید از سرمایه و در واقع عنصری مفقوده در میان سایر سرمایه ها و چه بسا مهمترین آنها با عنوان سرمایه اجتماعی شکل گرفته است (pretty, 2003).

در حالی که سرمایه فیزیکی به اشیای مادی اطلاق می شود و سرمایه انسانی به ویژگی و تواناییهایی اطلاق می شود که افراد دارا هستند سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد، شبکه های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد ناشی از آنها، اطلاق می شود (Putnam, 1995).

سرمایه اجتماعی شکلی از همبستگی سنتی جامعه است و به عنوان منبعی جهت تسهیل کنش جمعی در نظر گرفته می شود. سرمایه اجتماعی کالایی عمومی است که در جامعه هم از پایین به بالا و هم از بالا به پایین و هم به طور افقی تولید می شود و هیچ بخشی (دولتی، خصوصی و داوطلبانه)، بر آن مالکیت ندارند، هر چند، همه آنها در شکل گیری، تقویت

¹ Social Capital

و فرسایش آن نقش دارند. سرمایه اجتماعی به خصوصیات از سازمان اجتماعی نظیر شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می کند و این سرمایه حیاتی، وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی با سایر سرمایه ها دارد این هنجارها و تعاملات اجتماعی به این جهت به عنوان یک سرمایه و در قالب سرمایه اجتماعی تعریف می گردند که دارای کارکردهای اقتصادی مهمی در جوامع محلی هستند. انباشت این سرمایه، افزایش سایر سرمایه ها و در نهایت توسعه پایدار را با خود به دنبال خواهد داشت و از طرفی دیگر، در اثر کارکرد مثبت جامعه، این سرمایه و سایر سرمایه های تجدید شونده، افزون و در صورت وجود جنبه های غیر کارکردی، این سرمایه، دچار نقصان خواهد گردید که افول بیش از حد آن در هر جامعه ای به حتم جامعه را با مشکلات عدیده ای روبرو می سازد که نهایت آن، فروپاشی اجتماعی است (شکل ۱).



شکل ۱. ارتباط سرمایه اجتماعی با سایر سرمایه ها (برگرفته از مدل Pretty با اندکی تغییر)

اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات در سالیان اخیر است. شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه ای خصوصاً جوامع روستایی، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهمتر، اعتماد متقابل (در سه سطح فرد، جامعه و دولت) است که این سازه ها از مولفه های سرمایه اجتماعی می باشند از آنجاییکه عامل سرمایه اجتماعی یکی از جدیدترین مباحث مطرح گردیده می باشد، مفهوم دقیق و مورد توافق عام و نیز ابعاد آن، هنوز تا حدود زیادی ناشناخته است، لذا این امر سبب گردیده است که سنجش آن نیز مشکل باشد. با وجود ابهاماتی در ماهیت این سرمایه، اهمیت آن مورد تاکید و تصدیق جهانی می باشد و آنرا یکی از مولفه ها و تعیین کننده های مهم توسعه روستایی قلمداد می کنند، اما شواهد حاکی از آن است که در برنامه ریزی های توسعه روستایی کشور، این مهم کمتر مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران توسعه روستایی بوده است و در واقع این خلاء در ادبیات توسعه روستایی ما بارز است.

بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی دشوار و ناهموار می شوند و با کاهش آن، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی خواهیم بود. پاتنام از صاحب نظران بزرگ سرمایه اجتماعی سطوح توسعه یافتگی در شمال و جنوب ایتالیا را مربوط به وجود مقادیر متفاوت سرمایه اجتماعی در این دو منطقه می داند (Mondal, 2000). لذا توجه به این مقوله بایستی بعنوان اصلی محوری برای توسعه پایدار روستایی سرلوحه کار برنامه ریزان، صاحب نظران و سیاستگذاران توسعه روستایی قرار گیرد.

هدف از این مقاله، تفهیم سرمایه اجتماعی از جنبه های مختلف و نیز اثرات و نقش آن در پیشبرد توسعه پایدار روستایی با الگو گرفتن از تجارب سایر کشورها است که بر اساس روش تحلیلی- توصیفی به شیوه کتابخانه ای ابعاد آن را مورد بحث و بررسی قرار داده و در پی پاسخگویی به این سوال است که سرمایه اجتماعی چه نقشی در توسعه روستایی دارد؟ و جایگاه آن در برنامه ریزی های توسعه روستایی ایران کجاست؟ در نهایت راهکارهایی را جهت تقویت سرمایه اجتماعی و ترکیب آن با سایر سرمایه ها به منظور اثربخشی بیشتر، پیشنهاد نموده است. مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند وجهی و نیز نامشخص با تعدادی از تعاریف رقیب می باشد. این ویژگی باعث ایجاد یکی از پر مناقشه ترین موضوعات در بین دانشمندان اجتماعی در دهه های اخیر شده است و آن این است که سرمایه اجتماعی چیست، ریشه آن از کجاست و چگونه مورد سنجش قرار می گیرد، به طوری که در بررسی منابع موضوع با انبوهی از تعاریف روبه رو می شویم که در حوزه های متفاوتی ارائه شده اند. بررسی و مرور این تعاریف گوناگون احتمالاً نسبت به تعیین معرف های مشترک برای مفهوم سرمایه اجتماعی کمک خواهد نمود و از این طریق می توان یک سنجش مشترکی را از این مفهوم به عمل آورد. بنابراین در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می گردد:

در رابطه با زمینه تاریخی سرمایه اجتماعی عده ای آن را به مارکس نسبت می دهند؛ او در کتاب "سرمایه" به مساله همبستگی از روی اجبار و در شرایط بحرانی اشاره می کند. بدین معنی که در این شرایط افراد به سوی استفاده از انرژی جمعی، اتکا به یکدیگر و استفاده از پتانسیل های گروهی تشویق و ترغیب می شوند. دسته ای دیگر از نظریه پردازان علوم اجتماعی نظریه زیمل در رابطه با دادوستد و تعامل را به عنوان ویژگی هایی که زمینه ساز ظهور سرمایه اجتماعی شد، محسوب می دارند. عده ای رویکرد دورکیم و پارسونز در رابطه با هنجارها و ارزشهایی که افراد رابه ایفای نقشها و اعمال خود ترغیب می کنند، در ذیل مفهوم سرمایه اجتماعی قرار داده اند. برخی از صاحب نظران علوم اجتماعی، اعتماد رابه عنوان پیشینه مفهوم سرمایه اجتماعی مطرح می نمایند (بی نام، ۱۳۸۶).

در سال ۱۹۱۹ هنی فن^۲ معتقد بود که سرمایه اجتماعی به جنبه های محسوسی اشاره دارد که در زندگی مردم یافت میشود؛ برای مثال حسن نیت، رفاقت، دوستی و همدردی و دادوستد میان افراد و خانواده هایی که واحد اجتماعی درست می کنند (لعل علیزاده، ۱۳۸۶). مفهوم سرمایه اجتماعی با وجود سیر تاریخی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت. این امر عمدتاً مرهون جیمز کلنن^۳ جامعه شناس آمریکایی و مطالعات رابرت پاتنام^۴ استاد علوم سیاسی آمریکا بود.

کلنن، معتقد است که سرمایه اجتماعی یک پدیده درونی است که در روابط اجتماعی نمود پیدا می کند و در مقابل، « فوکویاما» بیان می دارد که سرمایه اجتماعی مفهومی کاملاً اجتماعی است و از اعتماد و همکاری میان انسان ها ناشی می شود. جیمز کلنن در سال ۱۹۹۸ عنوان نمود که سرمایه اجتماعی همانند دیگر سرمایه ها مولد است و رسیدن به اهدافی را امکانپذیر می سازد که در نبود آن دستیابی به آن اهداف غیر ممکن خواهد بود. همانند سرمایه اقتصادی و انسانی کاملاً قابل مبادله نیست اما می تواند مختص به فعالیت های مشخصی باشد. شکل مشخصی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل برخی کنش ها ارزشمند است، می تواند برای کنش های دیگر بی فایده و حتی مضر باشد. برخلاف اشکال دیگر سرمایه، در ذات ساختار روابط میان کنشگران وجود دارد. وی کنش ها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی نامید

(Stone, 2003).

پیر بوردیو جامعه شناس متأخر فرانسوی نیز با تقسیم بندی سرمایه ها در نظام اجتماعی به سه شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی عقیده دارد که سرمایه اجتماعی، ارتباطات و مشارکت اعضای یک جامعه برای نیل به اهداف آنهاست (بوردیو و جنکینز، ۱۳۸۵).

پاتنام در سال ۱۹۹۳، اول بار برای تعریف سرمایه اجتماعی بر روی روابط افقی در اعضای شبکه ها که با هم در یک زمینه برابر، ارتباط دارند تمرکز کرد و در سال ۲۰۰۰ با تجدید نظر در تعریف خویش بر روی اشکال غیر رسمی سازمانهای اجتماعی، مانند اعتماد، و شبکه و هنجارها تاکید نموده و نیز همبستگی میان افراد، شبکه های اجتماعی و هنجارهای تقابل گونه و قابلیت اعتمادی که از این عوامل منتج می گردد را مطرح نمود. اما کلنن بیان داشت که سرمایه اجتماعی می تواند شامل روابط عمودی، بعلاوه ارتباطات پلکانی و توزیع قدرت نابرابر اعضای جامعه باشد (Grootaert, 1999; Grootaert et al., 2003). لذا بایستی تعریفی را بنا نهاد که هم شامل روابط افقی و هم عمودی باشد.

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و افراد را به عملکرد هماهنگ و دستیابی مطلوب به اهداف قادر می سازد، تعریف می کند. تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده، تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (Grootaert et al., 2003).

با توجه به مفاهیم عنوان شده می توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی، هنجارها، ارزشها و نگرشهای موجود در جامعه است که سبب تسهیل ارتباطات میان اعضای آن جامعه، مشارکت بیشتر آنان در فعالیت ها و مهمتر از آنها ایجاد اعتماد میان اعضای آن جامعه می گردد. اجمالاً این مفهوم نوپا دارای سه مولفه مهم ((اعتماد اجتماعی))، ((انسجام اجتماعی)) و ((مشارکت اجتماعی)) است که خود هم معلول و هم گسترش دهنده این سه مولفه است.

2. Hani fan

3. James Coleman

4. Robert Putnam

لذا در این مقاله، با جمع‌بندی مفاهیم گفته شده می‌توان سرمایه اجتماعی را چنین تعریف نمود: سرمایه اجتماعی منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه است که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌نماید. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند.

گروتارت و کولیر^۵ عقیده دارند راهی که تشکل‌های محلی، نقش مفیدشان را ایفا می‌نمایند در سه مکانیزم تمرکز یافته است: سهیم شدن اطلاعات میان اعضای شبکه، کاهش رفتار فرصت طلبی و بی‌اعتمادی به دیگران و نیز تسهیل تصمیم‌گیری جمعی (Grootaert,1999) که این سه مورد می‌توانند مظهر و نمودی از سرمایه اجتماعی و نشانی از تعریف فوق باشد.

اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی

همانطور که از مفاد تعاریف گفته شده برمی‌آید، سرمایه اجتماعی به هنجارها و شبکه‌هایی برمیگردد که افراد را به انجام فعالیت‌های گروهی و جمعی قادر می‌سازد و اساس این ارتباطات بین افراد، خانوار و اعضای جامعه محلی که باعث تحریک و تشویق آنان به کار با یکدیگر در جهت اهداف مشترک می‌گردد، اعتماد بین آنان است که هرچه میزان این سرمایه بیشتر گردد، به موازات آن اعتماد نیز افزون می‌یابد. در طول حوادث و بحران‌هایی که در یک روستا پیش می‌آید، افراد روی این شبکه‌های گروهی یا خویشاوندی تکیه می‌نمایند، همچنین طیف امکاناتی که از طریق این شبکه‌های عمدتاً غیر رسمی بدست می‌آید بسیار زیاد است (Putnam,1995).

جوامع محلی با وجود شبکه‌های اجتماعی متنوع و روابط اجتماعی مدنی در یک موقعیت قوی‌تر و محکم‌تری برای روبرو شدن با فقر و آسیب‌ها قرار می‌گیرند. مطالعاتی در تانزانیا نشان می‌دهد که جوامع با سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی بهره‌مندی بیشتری از درآمد دارند و عکس‌العمل‌های مناسب‌تری در برابر نوسانات از خود نشان می‌دهند و مشارکتی که در فعالیت‌های عمومی و دسترسی بیشتری به اعتبارات و خدمات عمومی دارند، باعث بهبود وضعیت زندگیشان شده است. در این مطالعات نشان داده شد که سرمایه ایجاد شده نقش مهمی در کاهش فقر دارد ، بدلائیل زیر:

- ۱ - نشر اطلاعات و نوآوری‌ها: وقتی سرمایه اجتماعی در یک جامعه روستایی بالا می‌رود کانال‌های ارتباطی بین شخصی بیشتر و قویتر شده و باعث نشر نوآوری‌ها در بین کل اعضاء جامعه می‌گردد.
- ۲ - کاهش هزینه‌های داد و ستد: زمانیکه ارتباطات بهتر و آسانتر صورت گیرد دست واسطه‌ها کوتاه گشته و میزان درآمد افراد افزایش می‌یابد.
- ۳ - نهادهای محلی که به خوبی سازماندهی شده باشند می‌توانند نظارت بهتری را برای افراد گروه تضمین کنند همچنین با ارتباطات عمودی، پرسنل دولتی می‌توانند تعامل بیشتری با جوامع محلی از طریق ارتباط با گروه‌ها، داشته باشند.
- ۴ - بهبود مدیریت منابع جمعی و مشارکت در مدیریت منابع عمومی و نیز کاهش تخریب محیط زیست، در زمانی که سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد.
- ۵ - ایجاد شبکه‌های امنیت اجتماعی غیر رسمی: با افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت و ارتباطات افراد بیشتر و اعتماد به یکدیگر بالاتر رفته، کمک به دیگران در روستا افزایش می‌یابد (Mani,2001).

⁵ . Grootaert and Collier

با افزایش سرمایه اجتماعی دسترسی افراد به خدمات دولتی و بازار زیاد می شود؛ در چین رشد صنایع دستی روستایی در نتیجه ارتباط بین افراد و گروه های تولید کننده محلی و کارآفرینان جوان بود که نیروی محرکه ای در توسعه اقتصادی روستایی بودند و در گینه نو،⁶ CBO,s نقش مهمی در توانمند سازی زنان روستایی داشتند. NGO⁷ ها در بنگلادش، از طریق افزایش مشارکت افراد در فعالیت های جنبی روستایی، باعث افزایش سرمایه اجتماعی شده اند. اقتصاد دانان و دانشمندان علوم اجتماعی در جستجوی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در جوامع روستایی هستند که بر روی عملکرد اقتصادی و اجتماعی آنان تأثیر دارد. مطالعاتی توسط نارایان و پریتشت⁸، در روستاهای تانزانیا انجام شد و نتایج آن نشان داد که رفاه خانوار رابطه مثبت و معنی داری با سرمایه اجتماعی دارد. گروتارت⁹ نشان داد که میزان مشارکت در شکل های محلی و جوامع روستایی بر روی افزایش رفاه و کاهش فقر در اندونزی تأثیر دارد. حتی وی در این مطالعه دریافت که بازگشت سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی است. وینترز و همکاران¹⁰ در مکزیک دریافتند که چگونه افزایش مشارکت افراد که در اثر افزایش سرمایه اجتماعی بدست می آید، در افزایش درآمد و ایجاد فرصت شغلی و توسعه اقتصادی آنان تأثیر دارد. همچنین جانسون و همکاران¹¹ مطالعاتی را در روستاهای کلمبیا انجام دادند و نقش سرمایه اجتماعی را بر روی افزایش سرمایه گذاری در کشت و صنعت ها نشان دادند و اینکه سرمایه اجتماعی یک نهاده کلیدی در فرآیند ایجاد کشت و صنعت ها می باشد. آنان در این مطالعه به ارتباطات شبکه ها و میزان اعتماد اشاره کردند. کریشنا¹² نیز به اهمیت سرمایه اجتماعی و کاهش فقر و توسعه روستایی تأکید کرد و با توجه به اهمیت این سرمایه، ابزاری را بر روی سنجش آن در جوامع روستایی طراحی نمود. به نظر وی نقش این سرمایه در ارتباط بین تنوع مشاغل کشاورزی و در نتیجه توسعه رفاه تولید کنندگان کوچک روستایی بارز است. در روستاهای بنگلادش، مشارکت بر اساس اعتماد متقابل باعث ایجاد انواع سرمایه شده است. سازمان های دولتی و غیر دولتی از سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای سیاست های کاهش فقر استفاده می کنند. سرمایه اجتماعی می تواند بوسیله سازمان های دولتی، غیر دولتی و نیز افراد محلی در یک جامعه ایجاد شود. در بنگلادش نقش NGOها و CBO ها، در ایجاد و شکل دهی سرمایه اجتماعی در جوامع روستایی به اثبات رسیده است برنامه های توسعه های روستایی NGO,s بر روی توسعه مشارکت و فعالیت های جمعی مردم که به نوعی در توسعه ذیحق می باشند تأکید دارند. اعتماد متقابلی که بوجود می آید، باعث افزایش مشارکت و توانمندسازی اعضا آن میگردد (Mondal, 2000).

طی مطالعاتی که توسط فیروزجانی و همکاران در ایران صورت گرفته است، نشان داده شد که اعضای تعاونی تولید نسبت به سایر کشاورزان، برنامه های توسعه روستایی و کشاورزی را به نحو بهتری بکار گرفته اند. ۴ عامل مبادله اطلاعات با خارج از نظام اجتماعی، اعتماد به نهادها، شبکه روابط رسمی و میزان آگاهی، به ترتیب مهمترین فاکتورهای عضو در تعاونی تولید، شناسایی شدند؛ بطوریکه اعضای گروه اول از نظر دارا بودن این مولفه ها نسبت به گروه دوم، در سطح بالاتری قرار داشتند. این ۴ مولفه سرمایه اجتماعی، باعث تشدید و همکاری ها در بین اعضای تعاونی تولید برای اجرای برنامه های توسعه روستایی شده اند (فیروزجانی و همکاران، ۱۳۸۵).

عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

6. Community Based Organizatins

7. Non government Organizations

8. Narayan& Pritchett

9. Grootaert

10. Winters et al.

11. Johnson et al.

12. Krishna

بر مبنای نظر کلمن (۱۳۷۷)، عوامل ساخت سرمایه اجتماعی از ۴ دسته خارج نیست:

۱- عوامل نهادی. نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم مؤثر واقع شده و نظام هدفداری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته، ایجاد می کند. مثال بارز از یک نهاد، دولت است که به واسطه وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود.

۲- عوامل خودجوش. هنجارهایی که به صورت خود جوش به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی از کنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمدی نیستند، به عنوان عوامل خود جوش در ایجاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شوند که به دو دسته عوامل خودجوش عقلایی و عوامل خود جوش غیر عقلایی تقسیم می شوند. مانند شکل های خودجوش در روستا.

۳- عوامل بیرونی. منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی است که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کاررفته، سرچشمه می گیرند. عواملی همچون دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی جزء این گروه طبقه بندی می گردند.

۴- عوامل طبیعی (قومی- نژادی). در این گروه دو دسته از عوامل به صورت روابط خویشاوندی و همبستگی های قومی و نژادی قرار می گیرند. اهمیت خویشاوندی در مقایسه با دیگر ساختارهای اجتماعی از یک جامعه به جامعه دیگر به میزان زیادی فرق می کند. اما در هیچ جامعه ای خویشاوندی به طور کامل محو نشده است.

ابعاد سرمایه اجتماعی

افراد مختلف، ابعاد مختلفی را برای سرمایه اجتماعی برشمرده اند که در یک جمع بندی، می توان به سه بعد آن که تمامی تقسیم بندی ها مشترک می باشد اشاره نمود. فوکویاما، معتقد است که این سه بعد، (اعتماد، ارتباطات و مشارکت)، همگی محصول سرمایه اجتماعی می باشد نه اینکه خود سرمایه اجتماعی به حساب می آید. این اعتماد از راه تعاملات اجتماعی و بر اساس شبکه های بین شخصی و تشکل ها بوجود می آید. این سه بعد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند (فوکویاما، ۱۳۷۹). وجود مولفه های ذکر شده در جوامع روستایی، نه تنها اینکه توسعه پایداری را بدنبال دارد بلکه وجود این مولفه ها، خود عین توسعه است:

۱- اعتماد. اعتماد می تواند در سه بخش شامل اعتماد افراد به خود، اعتماد اعضای جامعه محلی به یکدیگر و اعتماد آنان به دولت متجلی گردد.

سرمایه اجتماعی در بعد نظری و ذهنی بیشتر به اعتماد (عمومی و نهادی)، آگاهی و توجه به امور عمومی و در بعد عینی و عملی بیشتر به مشارکت (رسمی، داوطلبانه، همیارانه و خیریه ای) مربوط می شود (بی نام، ۱۳۸۶). مثالی از اعتماد عمومی می تواند میزان عمل کردن افراد به قول خود باشد. در رابطه با اعتماد نهادی مهمترین سوالاتی که مطرح می شود عبارتند از افراد در جامعه محلی تاچه اندازه به عملکرد گروهها، انجمن ها، ادارات و... اعتماد دارند؟ نهادها و سازمانهای رسمی و دولتی تاچه میزان اثر بخشی و مقبولیت دارند؟

اعتماد مشارکت را تسهیل می کند هزینه معامله و داد و ستد بین افراد را کاهش داده و بجای سرمایه گذاری کردن روی نظارت بر دیگران، باعث آزادی و اثربخش منابع می شود. وقتی که افراد به یکدیگر اعتماد دارند پول و زمان را پس انداز می کنند و همچنین یک الزام و تعهد اجتماعی را ایجاد می کند. دو نوع اعتماد وجود دارد. اعتماد به افرادی که می شناسیم و آنهایی که نمی شناسیم. اعتماد به ناشناس ها ناشی از اطمینان ما در یک ساختار اجتماعی شناخته شده است. به عقیده گامبتا^{۱۳} اعتماد برای ساخته شدن نیاز به زمان زیادی دارد در حالیکه ممکن است به آسانی

¹³. Gambetta

شکسته شود. وقتی جامعه ای دچار بی اعتمادی و سوء ظن به یکدیگر می شود و مشکلات عدیده ای پدیدار می شود. پاتنام بیان می دارد که تعامل و تقابل اعتماد را افزایش می دهد و باعث شادی بیشتر در جامعه محلی می گردد. قوانین عمومی وهنجارها، روی رفتار افراد تأثیر دارد که این باعث اعتماد در افراد و مشارکت در فعالیت های گروهی می شود. در صورت اعتماد، افراد رفتارشان را بهتر کنترل می نمایند. اعتماد از راه تعاملات اجتماعی بر اساس شبکه های بین شخصی و تشکل ها بدست می آید (Putnam,2000). فافچامپز^{۱۴} نیز اعتقاد دارد که اعتماد به عنوان یک انتظار خوش بینانه یا عقیده راجع به رفتار سایرین بیان می شود. اعتماد از بعدی دیگر شامل اعتمادشخصی و اعتماد عمومی است. اعتمادشخصی از تکرار تعاملات بین افراد ناشی می شود در حالیکه اعتماد عمومی ناشی از شناخت عمومی در میان جمعیت عاملین، انگیزه، مشوق ها و تربیتی که افراد دریافت کردند می باشد. اولی نیاز به زمان و تلاش برای ایجاد شدن دارد و دومی دفعتاً" و لحظه ای می باشد. همچنین، اعتماد به عنوان رضایت به اینکه فرد اجازه دهد تصمیمات دیگران بر روی زندگی وی تأثیر گذارد، تعریف می شود. پاتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می داند و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد می باشد (pretty,2003; Grootaert,1999; Stone,2001).

۲- مشارکت اجتماعی که شامل شرکت در تشکل ها و انجمنها ی مختلف می گردد. در رابطه با میزان مشارکت اینکه چه تعداد از افراد جامعه محلی و به چه میزان، در انجمنها و گروههای داوطلبانه شرکت می کنند؟ شبکه و تشکل ها گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می نمایند و شرکت در این جلسات باعث یادگیری های اجتماعی، شناخت یکدیگر، افزایش قدرت تصمیم گیری و افزایش اعتماد بین افراد می گردد و هزینه تعاملات را کاهش می دهد. از فرد در مقابل تهجمات و تجاوزات دفاع می کند و نیز دسترسی افراد به منابع از طریق شبکه ها امکان پذیر است. از آنجاییکه انسان ذاتاً موجودی اجتماعی خلق شده که احساس درونی کمک به دیگران در او وجود دارد، بنابراین با داشتن چنین روابطی، احساس سبکی و شاد بودن نیز به فرد دست می دهد. عقیده پاتنام، عضویت در گروه ها و مشارکت میان آنان به میزان زیادی به عنوان نوعی سرمایه و دارایی برای فقرا با عنوان سرمایه اجتماعی ارتقاء یافته است. (Durlauf & Fafchamps,2004).

۳- ارتباطات. ارتباطات مظهر و جلوه سرمایه اجتماعی است این ارتباطات هم می توانند رسمی و هم غیر رسمی باشد مثلاً" دو همسایه ای که در زمان سختی به هم کمک می کنند دارای سرمایه اجتماعی هستند در حالیکه ممکن است هرگز پیوندی با انجمن و شبکه ای هم نداشته باشند یعنی در واقع تنها وجود یک تشکل نمی تواند اثبات کننده حضور سرمایه اجتماعی باشد (Grootaert,1999).

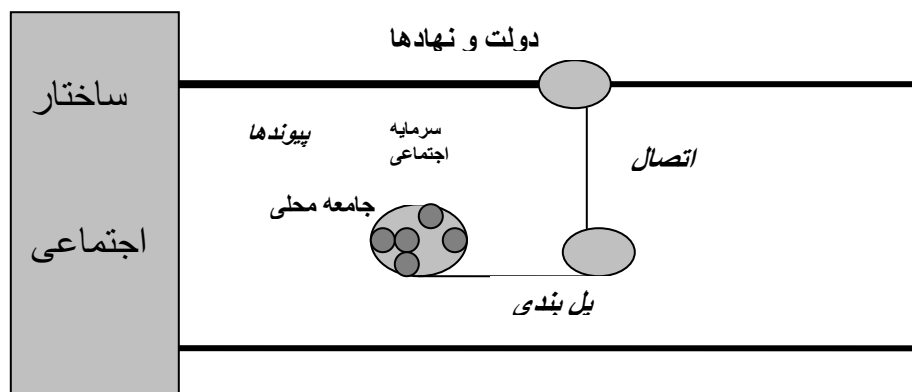
سه نوع از ارتباطات در درون تشکل ها، بین آنها و در جامعه محلی وجود دارد (شکل ۲). پیوندها^{۱۵} ی بین افراد با افرادی مشابه و گروهها در یک سطح محلی است. پل بندی^{۱۶} که شامل ایجاد پل ارتباطی بین گروهها و ایجاد گروههای بزرگتر با کارایی بیشتر است و اتصال^{۱۷} که توانایی گروهها برای درگیر شدن بصورت عمودی با عاملین خارجی را شرح می دهد و در نتیجه فرد بوسیله این پیوندهای اجتماعی شایستگی خود را تقویت می کند (Pretty,2003).

¹⁴ . Fafchamps

¹⁵ . Bonding

¹⁶ . Bridging

¹⁷ . Linking



شکل ۲. سرمایه اجتماعی درون جامعه محلی و بین جامعه و دولت

هارفام^{۱۸} نیز سرمایه اجتماعی را به دو جزء تقسیم نمود و تمایزی بین ایندو قایل شد:

الف . سرمایه اجتماعی شناختی که این نوع از سرمایه به قسمت انتزاعی تر سرمایه اجتماعی ، از قبیل اعتماد ، انسجام، مشارکت و خیرخواهی، فرهنگ مدنی، نگرش ها، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ب . سرمایه اجتماعی ساختاری (نهادی) : جزء ساختاری به جنبه‌های قابل رؤیت و شاید عینی تر (قابل لمس تر) مفهوم سرمایه اجتماعی برمی‌گردد. از قبیل نقش ها و قوانین، ارتباطات افقی و عمودی، انتظاراتی که باعث رفتار مشارکتی و منافع متقابل می‌گردد، نهادهای محلی ، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم و روابط بین شخصی که آنان را قادر به پیگیری اهداف فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی می‌سازد. درحالی‌که عنصر شناختی زمینه را برای فعالیت های جمعی مهیا و مستعد می‌سازد، عنصر ساختاری، این فعالیت ها را تسهیل می‌نماید و باعث ایجاد روابط افقی و عمودی در جامعه می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌نماید (Jones,2005).

سرمایه اجتماعی همیشه برای تمام اعضای یک جامعه دارای تأثیرات مثبت نیست ، بلکه در صورتی می‌تواند مثبت باشد که هم سرمایه شناختی و هم سرمایه ساختاری هر دو به میزان بالایی در جامعه وجود داشته باشد . در غیر این صورت ما شاهد انواع دیگر سرمایه اجتماعی خواهیم بود که ممکن است پیامدهای نامناسبی برای جامعه داشته باشد. تحقیقات در مورد اینکه سرمایه اجتماعی دقیقاً چیست و کارایی آن در جامعه به چه صورت می‌باشد، موضوعی عمده و مورد توجه در سالیان اخیر است. برخی صاحب‌نظران عقیده دارند که سرمایه اجتماعی مقوله ای کاملاً مثبت و

¹⁸ . Harpham

اثرات کارکردی است در حالیکه برخی دیگر عنوان می نمایند که دارای اثرات غیرکارکردی و جنبه های منفی نیز می باشد. مثلا در جایگاه نقش جنسیت نابرابر می باشد و یا عضویت در تشکل ها انحصاری است، افزایش چنین گروهها و تشکل هایی باعث نابرابری و شکاف جنسیتی یا طبقاتی می گردد. و یا ساختار اجتماعی و رفتار برخی گروهها در ظهور خشونت مؤثر است. خشونت خانوادگی در رابطه ای مشخص با ساختار جامعه قرار دارد. در صورت وجود خشونت های ساختاری در سازمان ها و نهادهای اجتماعی، امکان ظهور خشونت خانوادگی تشدید می شود و در عین حال وجود خشونت خانوادگی باعث تقویت هنجارهای اجتماعی خشونت می گردد. همچنین سرمایه اجتماعی دارای دو بعد کیفی و کمی است. بعد کمی مانند تعداد تشکل و گروهها در جامعه، تعداد اعضای آن و میزان روابط افراد با خانواده و سایر گروهها و بعد کیفی میزان همبستگی درون گروهی و بین گروهی می باشد (Durlauf & Fafchamps, 2004).

سنجش سرمایه اجتماعی

سنجش سرمایه اجتماعی در یک جامعه، با وجود اهمیت زیادی که دارد، بسیار مشکل است. دلایلی که سنجش آن را دچار مشکل نموده، از دیدگاه (Mani, 2001)، به شرح زیر است:

- ۱- تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی چند بعدی و با سطوح و واحدهای تحلیلی متفاوت، می باشد.
 - ۲- طبیعت و اشکال سرمایه اجتماعی در طول زمان متغیر است و شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی است.
 - ۳- بیشتر معیارهای آن تقریبا "سنجیده می شود نه دقیقا" مانند اعتماد، جنبش های اجتماعی و غیره.
- در عین حال، اگر بخواهیم روش های سنجش سرمایه اجتماعی را بیان کنیم، می توان به دو رویکرد در نحوه ارزیابی سطح سرمایه اجتماعی در جامعه اشاره نمود:

۱- رویکرد اول سعی می کند تا با ارایه شاخص هایی مثبت وجود سرمایه اجتماعی در سطح جامعه را نشان دهد، مثلا با سنجش سطح اعتماد در سطوح مختلف، میزان مشارکت اجتماعی، تعداد تشکل ها در جامعه محلی و تعداد اعضای آنها، تفاوت و تنوع عضویت در تشکل ها، تعداد جلسات، سطح همکاری افراد با یکدیگر، پذیرش تفاوت ها، سطح همپاری و همدلی در گروهها و کل جامعه، مدیریت جمعی منابع، میزان ارتباط با افراد خارج از روستا مثل سوداگران، میزان مشارکت اعضاء در تصمیم گیری، میزان مشارکت در پرداخت هزینه های انجمن، میزان زمانی که افراد صرف شرکت در کارهای انجمن می کنند، تشخیص و تعیین موقعیت افراد در جامعه محلی، میزان ناهمگنی در درون تشکل، مشارکت خانوارها در تصمیم گیری، روابط با همسایگان و سهیم کردن آنان، احساس امنیت، احساس رضایت از زندگی، میزان مهاجرت و مواردی از این قبیل، سرمایه اجتماعی را مورد سنجش قرار می دهند.

۲- رویکرد دومی که در سنجش سرمایه اجتماعی وجود دارد، بر این نکته تاکید دارد که بهتر است فقدان سرمایه اجتماعی را که در قالب عواملی چون انزجار و تنفر، تبعیض سیاسی اقتصادی و اجتماعی، میزان فسادهای مالی مثل ربا و رشوه در جامعه روستایی، نرخ جرم و جنایت، قتل و خودکشی، طلاق و بیکاری افراد و سایر انحرافات در نظر گرفت که هرچه این عوامل در جوامع روستایی بیشتر باشد، می توان گفت که سرمایه اجتماعی در سطح پایین تری قرار دارد. کریشنا و شرادر^{۱۹}، ابزاری را برای ارزیابی سرمایه اجتماعی را طراحی نمودند که شامل سه جزء است:

¹⁹. Krishna & shrader

۱ - نیمرخ جامعه محلی: ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح جامعه روستایی مانند سرمایه و دارایی های جامعه، کنش های جمعی، انسجام، حل تضاد، نهادهای دولتی و غیر دولتی و سیستم تصمیم گیری در جامعه محلی.

۲ - پیمایش خانوار که بیان کننده سنجش سرمایه اجتماعی شناختی است.

۳ - نیمرخ سازمانی: روابط و شبکه ها که میان نهادهای رسمی و غیر رسمی وجود دارد را مشخص می نماید.

لازم به ذکر است روش های کمی و کیفی نیز برای تحلیل این سه دسته داده طراحی شده است (Mani, 2001).

جمع‌بندی، نتیجه گیری و پیشنهادات

سرمایه اجتماعی با تأکیدی که روی خود نظارتی و مشارکت هوشمندانه افراد از برنامه ریزی تا اجرا را دارد، باعث افزایش قابلیت جوامع روستایی در برنامه ریزی، اجرا و مدیریت برنامه ها و فعالیت های توسعه روستایی گردیده و یک نیروی محرکه برای توسعه پایدار روستایی و نیز یکی از تعیین کننده های مهم سلامتی و رفاه و از سازه های تأثیرگذار غیر اقتصادی در رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بشمار می رود. از آنجاییکه بیش از ۸۰۰ میلیون از فقرای جهان در روستاها زندگی می کنند، افزایش رفاه مردم روستایی و بهبود وضعیت آنها از هدفهای کلیدی اکثر کشورها و سازمانهای توسعه است. جوامع روستایی دارای سرمایه های طبیعی فراوان هستند اما اغلب فاقد مهارت (سرمایه انسانی) و سازمان (سرمایه اجتماعی) هستند که این امر برای تبدیل سرمایه و منابع طبیعی به سرمایه های فیزیکی ضروری است. سرمایه اجتماعی با تأثیری که بر روی سرمایه های انسانی در جهت سازمان دادن آن برای توسعه می گذارد، فاکتوری بسیار مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است و به افراد و گروهها برای اجرای وظایف توسعه کلیدی مانند برنامه ریزی، ارزشیابی و تصمیم گیری، تجهیز منابع و مدیریت آنها، ارتباط با همدیگر و هماهنگ ساختن فعالیت هاشان و حل تضادها بطور مؤثر و کارا عمل می کند. در کشورهای در حال توسعه وجود شبکه های محلی، درمیزان توانایی روستاییان در دسترسی به منابع و نیز انعطاف پذیری آنها در برابر حوادث طبیعی اثر بسزایی دارد. سرمایه اجتماعی به ساخت شالوده و زیربنا و دسترسی به منابع طبیعی و فیزیکی کمک نموده و در ایجاد اعتماد افراد به خود، دیگران و دولت، خصوصاً در زمان کمبود وثیقه و اعتبارات نقش بسیار مهمی را ایفا می نماید زیرا تولید کنندگان کوچک روستایی در کشورهای کمتر پیشرفته دسترسی محدودی به موارد قانونی و حقوق دارند و مجبورند روی اعتماد به یکدیگر تکیه کنند. همچنین فرصتی را برای توسعه رهبری، جنبش های روستایی، شبکه بندی، بوجود آوردن حس تعلق، انجام وظایف اجتماعی و مسئولیت پذیری، ایجاد علاقه و ذوق در افراد برای مشارکت در ساخت جامعه پایدار روستایی، فراهم می نماید. سرمایه اجتماعی به عنوان یک نهاده در افزایش بهره وری خانوار و رکن اصلی برای توسعه پایدار می باشد و با اثری که روی نهادهای محلی دارد بر روی رفاه خانوار تأثیر زیادی می گذارد و به عقیده کولمن، همانند سایر سرمایه ها مولد است و دستیابی به توسعه بدون آن غیر ممکن است.

با توجه به مطالب بیان شده، می توان گفت که جامعه ایران نیازمند افزایش سرمایه اجتماعی است تا بتواند در کنار افزایش سرمایه مالی که توسط کارآفرینان اقتصادی ایجاد می شود، رشد و توسعه جامعه را تضمین نماید. لذا در راستای ارتقاء سرمایه انسانی و توسعه زیر ساخت های فیزیکی مناطق روستایی، می بایست سرمایه اجتماعی بعنوان سازه ای مهم و تأثیرگذار همواره مدنظر قرار گیرد. به منظور ارتقاء کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی، راهبردهای زیر پیشنهاد می گردد:

شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می تواند جامعه روستایی را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در روستا گردد. سرمایه اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است که با گذشت زمان مستهلک می شود. توافق زیادی روی این تعریف است که سرمایه اجتماعی شامل توانایی افراد برای تأمین منافعشان بوسیله عضویت در شبکه های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است همچنین از آنجاییکه به ارزش همبستگی و اعتماد بین مردم بر می گردد و پیش شرط مدیریت پایدار و توسعه منابع طبیعی است، بنابراین برای اجرای بهتر مدیریت منابع طبیعی، افراد بایستی درگیر فعالیت های جمعی شوند، لذا بایستی تعداد انجمن ها و تشکل های گروهی را همراه با در نظر داشتن سازه برابری، بمنظور مشارکت و تعامل بیشتر افراد با یکدیگر، ایجاد و یا تقویت نمود. ایران، به علت مذهب مشترک، زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری ها، احترام عامه مردم به یک سری اصول و ارزشها و غیره دارای عناصر و زمینه هایی از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است که بایستی آنها را تقویت نمود. فرهنگ سازی صحیح که عمده وظیفه رسانه ها و نخبگان است در کنار کاهش فقر و نابرابری و تبعیض دولتی، از جمله قدمهای اولیه برای گام برداشتن به سمت بازگرداندن اعتماد و سرمایه اجتماعی برای ایرانیان است.

همچنین عنوان شد، سرمایه اجتماعی شامل دو بعد کمیت و کیفیت است، یعنی هر چه مشارکت در جامعه بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. کمیت خود دو بعد مختلف دارد، یک بعد تعداد سازمان های داوطلبانه در جامعه و بعد دیگر تعداد اعضای هر یک از این گروه ها می باشد. کیفیت نیز خود دارای دو بعد می باشد، میزان روابط افراد با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان و به طور کلی با دیگران شامل بعد کمی سرمایه اجتماعی می گردد. برای افزایش سرمایه اجتماعی می بایست میزان همبستگی و درجه انسجام درون گروهی، اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت و به طور کلی بعد ذهنی آن نیز مد نظر قرار گیرد. یک بعد همبستگی درون گروهی است و بعد دیگر همبستگی بین گروهی یا انسجام بین گروه های موجود در جامعه می باشد. چنانچه در یک جامعه اعتماد و انسجام درون گروه ها بالا باشد، اما بین گروه های مختلف انسجام پایین بوده یا وجود نداشته باشد، این فرایند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت و در واقع سرمایه اجتماعی موجود از نوع منفی خواهد بود. مشوق های اقتصادی معمولاً برای تغییر در رفتار افراد استفاده می گردد هر چند ممکن است این امر باعث تغییری کوتاه مدت در رفتار افراد شود اما به ندرت اثری طولانی مدت بر روی نگرش فرد که لازمه تغییر اساسی در رفتار است می گردد. عاملین توسعه بایستی روی افراد به منظور افزایش دانش و مهارت آنان ظرفیت رهبریشان و انگیزشان برای انجام فعالیت ها کار کنند؛ آنها ممکن است با اعضاء جوامع محلی برای ایجاد تشکل ها در حفظ و مدیریت منابع همکاری نمایند اگر تمام این فعالیت ها به توسعه سرمایه های طبیعی بینجامد این دستاورد، باز خوردی مثبت روی سرمایه ای انسانی و ایجاد سرمایه اجتماعی خواهد داشت. در سالیان اخیر گسترش زیادی در برنامه های مدیریت جمعی در جهان دیده شده است. مانند مدیریت مشارکتی، مدیریت غیر متمرکز، مدیریت مشاعی و مدیریت بومی که اینها در ایجاد سرمایه اجتماعی بوسیله مشارکت و بر مبنای فرآیند یادگیری اجتماعی تمرکز می کند. سازمانهای غیر دولتی، به طور فزاینده ای در پی توسعه برنامه های خود می باشند تا نیازهای کارآفرینان اجتماعی را برآورده نمایند هر چه تعداد این انجمن های داوطلبانه یا به عبارتی، سازمان های غیردولتی (NGO,S) بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی افزایش خواهد یافت.

از آنجاییکه برخی معتقدند سرمایه انسانی و اجتماعی دو مقوله متفاوتند، بنابراین نمی توان انتظار داشت که با تقویت سرمایه انسانی، لزوماً سرمایه اجتماعی نیز ایجاد می گردد و در بحث سرمایه اجتماعی نیز دو بعد در مد نظر قرار

میگیرد، یکی ایجاد و دیگری، شکل دهی و تقویت آن. پس ابتدا بایستی بررسی نمود که سرمایه اجتماعی در جامعه وجود دارد یا ندارد که در صورت عدم آن، بایستی ابتدا ایجاد و سپس هدایت گردد.

NGO ها یا سازمانهای غیردولتی داوطلبانه و CBOها، با هدف توانمندسازی روستاییان، گزینه مناسبی برای وصول به این هدف می باشند. لذا پیشنهاد می گردد با نهادینه کردن این فرهنگ در بین روستاییان مبنی بر افزایش این نهادهای خودجوش، اقدام به افزون نمودن سرمایه اجتماعی کرد. این سازمانها براساس تعهدات داوطلبانه توسط اعضاء جامعه روستایی در یک انجمن به منظور رسیدن به اهداف مشترک جمعی آن تشکل و نه منافع فردی که این امر باعث توسعه پایدار روستایی می گردد، تشکیل میشوند. این سازمانها، جوامع روستایی را تبدیل به گروه های محلی می کنند که این گروه ها با یکپارچگی، منافع را با یکدیگر سهیم می نمایند. در این سازمان ها بین گروههای مختلف و متنوع و نیز بین آنان و دولت، کارکرد بهینه و مناسبی می تواند وجود داشته باشد که نشان بر سرمایه اجتماعی آن گروه هاست و این امر باعث رفاه اقتصادی و اجتماعی و توسعه پایدار می شود در حالیکه سوء کارکردهای دولتی و سرمایه اجتماعی پایین باعث تباهی و تضاد بین افراد و گروهها می شود.

از آنجاییکه بدون اعتماد و مشارکت، سرمایه های فیزیکی و انسانی در معرض آسیب و سوء استفاده قرار می گیرد، لازمه داوطلب شدن افراد برای فعالیت های جمعی و افزایش مشارکت موثر افراد، اعتماد آنان به یکدیگر می باشد و در اثر اعتماد در سطوح مختلف است که این وجود این نهادها حفظ می گردد زیرا این روابط اجتماعی اگر به هر دلیلی از بین برود، سرمایه اجتماعی مستهلک می گردد. بنابراین لازم است اعتماد بین افراد را تقویت نمود. در این راستا بایستی، مهارتهایی را در افراد ایجاد و یا تقویت نمود که این مهارت ها ایجاد و شکل دهی سرمایه اجتماعی را بدنبال خواهد داشت مانند مهارت های ارتباطی، پویایی گروه و اینکه افراد در جنبه های اجتماعی به یکدیگر احترام گذاشته و اهدافشان را در قالب عوامل اجتماعی و همبستگی، جستجو نمایند.

دولت نیز موظف است تا زمینه لازم را برای مشارکت جوامع روستایی، در عرصه های مختلف را فراهم آورد و از بروز گسست پیوند بین مردم و حکومت، ممانعت به عمل آورد. هر روندی که دولتمردان را از مردم دور سازد، در واقع روندی منفی برای سرمایه اجتماعی به شمار می آید. درهم گسیختگی سازمان اجتماعی یا روابط اجتماعی می تواند برای سرمایه اجتماعی بسیار ویرانگر باشد و وجود رژیم دموکراتیک منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می گردد. بایستی ذکر کرد که ایجاد و یا تغییر در سرمایه اجتماعی مأموریتی دراز مدت است و کار زیادی را می طلبد. اما در عین حال سرمایه اجتماعی، عنصری ثابت و خنثی نیست، نظام و سیستم اجتماعی با هر تحریکی، ممکن است دچار نقص و انحراف در اعتماد اجتماعی؛ انسجام و مشارکت اجتماعی شود و سرمایه اجتماعی با کاهش مواجه شود و این مسئله مهم به تدریج مهاجرت، افسردگی، اعتیاد، نارضایتی عمومی و اغتشاش و فروپاشی را در پی خواهد داشت؛ بنابراین به نظر می رسد اولین قدم، شناخت عوامل آسیب زای سرمایه اجتماعی است. از دولتمردان و صاحب نظران انتظار می رود که این عوامل و مولفه ها را پیدا کنند تا با فرهنگ سازی و اقدامات اساسی، شاهد کاهش این آسیبها باشیم.

فهرست منابع

- بورديو، پیر و ریچارد جنکینز. (۱۳۸۵). مفهوم سرمایه از دید پیربورديو. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاووشیان، انتشارات: نی بی نام. (۱۳۸۶). " سرمایه اجتماعی و توسعه مدیریتی و شهروندی ". برگرفته از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: جهان امروز، ص ۱۰.

فیروز جایی، احمد، حسن صدیقی و محمدعلی محمدی.(۱۳۸۵). "مقایسه مولفه های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی های تولید روستایی". فصلنامه علی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش. ۲۳.
کلمن، جیمز.(۱۳۷۷). "بنیادهای نظریه اجتماعی" ترجمه: منوچهر صبوری تهران، نشر نی.
لعل علیزاده، محمد.(۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی و توسعه مدیریتی و شهروندی". برگرفته از سایت
<http://www.modares.ac.ir/fhum/lalalizadeh>

Durlauf,S.N.& Fafchamps,M.(2004). "Social Capital".
[online:<http://www.econ.nyu.edu/cvstarr/conferences/handbook/papers/fafchamps.pdf>].

Grootaert,C. (1998). "Social Capital:the missing link?" [online at:
www.worldbank.org/socialdevelopment].

Grootaert,C. (1999). "Social Capital, Household Welfare and Poverty in Indonesia".Local
Level Institutions Study.

Grootaert,C., Narayan,D., Jones,V. &Woolcock,M.(2003). "Measuring Social
Capital".World Bank Working Paper,No.18.

Jones,s. (2005). "Community based ecotouris the Significance of Social Capital".*Journal of
Annals of Tourism Research*", Vol. 32, No. 2, pp. 303–324.

Krishna,A.(2003). "Understanding, measuring and utilizing social capital:clarifying
concepts and presenting a field application from India", *International Food Policy
Research Institute*,No.28.

Lyon,F. (2000). "Trust, Networks and Norms: The creation of social capital in agricultural
economies in Ghana". *Journal of World Development*",Vol.28, No.4,Pp.668-681.

Mondal,A.H.(2000). "Social capital formation: The role of NGO rural development
programs in Bangladesh", *Journal of Policy Sciences*,No. 33.

Putnam,R. (1995). "Turning in, Turning out: The strange disappearance in social capital
in America",*political science and politics*,No.28.

Pretty,J. (2003). "Social capital and connectedness: Issues andimplications for agriculture
rural development and naturalresource management in ACP countries". Technical
center for Agriculture and Rural Cooperation (C T A).No.8032.

Stone,W. (2001). "Measuring Social Capital Towards a theoretically informed
measurement framework for researching social capital in family and community
life",*Journal Research Paper*,No.24.

Putnam,R.D.(1995). "Tuning in,Tuning out:The strange disappearance of Social Capital in
America" ,*Political science and Politics*,28.

**Putnam,R.D.(2000).Bowling alone:The Collapse and Revival of American Community
New York:Simon and Schuster.**

Social Capital: The lost ring in rural development of Iran

By : M. H. Mohammadi and D. Hayati

Abstract

Social Capital deserves outstanding role and significance in rural development process. There are indices and criteria introduced for measuring sustainability context, but its social aspects are not yet explored. Despite authentic contribution of social capital in rural development, but yet no consideration is taken into policy for rural development. In fact, this gap is obviously felt in our rural development context, for which diagnosis of social capital and its adaptation with rural development seems highly critical that can affect physical and economic capitals. Social capital shall influence in different dimensions of rural development including trust-making, participation and communication. Particularly, participation would leave crucial impacts on rural plans, social security, due understanding of luckiness and confidence of rural individuals. This study tries to elaborate the roles and effects of social capital in rural development process of Iran through descriptive-analytical manner and library review. To this end, varying aspects of rural development were identified through literature review followed by examination of role and significance of social capital. The idea comes up with proposals for application, intensification and mobilization of social capital as well as its combination with other capitals/potentials towards sustainable rural development trend in Iran.

Key words: Social capital, rural development, Participation, Confidence, communication